

## تحلیل سنت‌شناختی بر نقش فاعلی امام زمان (عج)

قاسم ترخان<sup>۱</sup>

### چکیده

سنت‌های الهی از مباحث فراموش شده‌ای است که جای آن در پژوهش‌های کلامی خصوصاً مباحث مربوط به بیماری کرونا و جهان‌پسا کرونا خالی است. نوشتار حاضر تلاش کرده است با مراجعه به متون دینی و بهره‌مندی از روش کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات و روش توصیفی تحلیلی در استنتاج دیدگاه و روش اجتهادی در کارکردها و برآیندها و استمداد از سنن الهی به این پرسش پاسخ گوید که در بلاهای عمومی و از جمله بیماری کرونا امام زمان (عج) چه نقشی دارد؟

از سویی عالم بر اساس سنت‌های الهی اداره می‌شود که استثناپذیر است و از سویی دیگر آن حضرت در سلسله علل غایی و فاعلی عالم قرار دارد. نقش فیض‌رسانی عام و خاص امام زمان (عج) را نیز باید در شبکه‌ای از سنت‌های الهی دید؛ یعنی امام در این منظومه به ایفای نقش می‌پردازد. بر اساس همین نظام، در دفع یا رفع بلا باید اولاً از اسباب مادی استفاده شود؛ اگرچه کارکرد اسباب مادی در دفع یا رفع عامل معنوی بلا، دائمی و همه‌جانبه نیست؛ ثانیاً؛ تأثیر عوامل معنوی در قالب سنت مشروط و مطلق تحقق می‌پذیرد که در اولی وجود شرط و در دومی وجود مصلحت محوریت دارند و نقش حضرتش را باید در این قالب دید.

### واژگان کلیدی

امام زمان (عج)، نفس قدسی امام، سنت‌های الهی، بلای عمومی، اسباب معنوی، بیماری کرونا.

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

## طرح مسأله

پیامبر(ص) و امامان(ع) در سلسله علل غایی (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۸(الف)، ص ۹-۲۴) و بلکه در سلسله علل فاعلی این عالم (ر.ک: همو، ۱۳۸۸(ب)، ص ۷-۳۰) قرار دارند. با این لحاظ گاهی گفته می‌شود که در بلاهای عمومی و از جمله بیماری کرونا امام زمان(عج) کجاست و چه نقشی دارد و چرا این بلای عمومی را دفع نکرده یا رفع نمی‌کند؟

این پرسش را می‌توان به دو گونه ناظر به نقش خود امام(عج) و ناظر به نقش باورمندی به آن حضرت، طرح کرد. نوشتار حاضر به قسمت اول اختصاص دارد و در این راستا تلاش کرده است با مراجعه به متون دینی و بهره‌مندی از روش کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات و روش توصیفی تحلیلی در استنتاج دیدگاه و روش اجتهادی در کارکردها و برآوردها، به پرسش‌های فوق پاسخ دهد. اگرچه در مقالات و مکتوباتی به نقش‌های متعدد انسان کامل در هستی پرداخته شده است، اما ارزیابی نقش فاعلی امام زمان(عج) در منظومه و هندسه سنن الهی آن هم ناظر به یک بلای عمومی، موضوعی است که نگارنده آن را در مقاله‌ای نیافته است. از این جهت این نوشته را از سایر نوشته‌ها ممتاز می‌داند، منتها پیش از پرداختن به موضوع اصلی نوشتار، تذکر دو نکته در حل مسئله ضروری به نظر می‌رسد:

### ۱-۱. اداره عالم بر اساس نظام اسباب و مسببات

عالم بر اساس سنت‌های الهی اداره می‌شود. واژه سنت در کتب لغت به معنای وجه، صورت، عادت، طبیعت، طریقه (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۲۴-۲۲۶) و سیره (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۶۰-۶۱. ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۴۰۹. فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۲) است و مقصود از آن در اینجا «ضوابطی است که خداوند متعال آن‌ها را برای تنظیم پدیده‌های هستی وضع کرده است» (صدر، ۱۳۹۸، ص ۵۰) که از آن به نظام اسباب و مسببات تعبیر می‌شود. پذیرش نظام اسباب و مسبب به این معنا است که موجودات جهان از همدیگر بیگانه نیستند و در یکدیگر تأثیر و تأثری حقیقی دارند و وقایع در پی

اسباب و علل خود اتفاق می‌افتند. آب وقتی حرارت ببیند، جوش می‌آید و چون حرارت از آن دور شود سرد می‌شود.

اشاعره در گذشته از «عاده‌الله قد جرت» (ایجی - میرسیدشریف، ۱۳۲۵، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۲ و ج ۷، ص ۶۲-۶۳) و برخی هم اکنون از توالی و تعاقب میان دو پدیده حمایت کرده و به انکار علیت پرداخته‌اند (Hume, 1988, P. 85-87)؛ اما متکلمان شیعه با طرح این مطلب که علیت برخی از پدیده‌های جهان نسبت به بعضی دیگر در طول علیت خداوند، قرار دارد، هم علیت و فاعلیت خداوند را نسبت به هر چیزی که بر آن شیء صدق می‌کند اثبات کرده (رعد، ۱۶) و هم علیت انسان نسبت به افعالش را پذیرفته و با تصویر صحیح توحید افعالی به دلیل مهم جبرگرایان الهی خدشه وارد کرده‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۹۳-۳۰۲).

این قانون به گونه‌ای فراگیر و استثناناپذیر است که همه حوادث عالم را شامل می‌شود. امام صادق (ع) در این باره فرموده است: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۳). از این جهت حتی حیات و زندگی امام زمان (عج) را نیز نباید از این قانون مستثنا تلقی کرد.

پذیرش این نکته بدان معنا است که فیض خداوند در قوس نزول و صعود بر اساس نظام اسباب و مسببات در عالم جریان می‌یابد.

قوس نزول، سیر تنزلی انسان از عالم اسماء و صفات الهی به عالم طبیعت است. به بیانی دیگر بر اساس تقسیم عوالم به عالم عقل، مثال و طبیعت (ماده) فیض از مبدء الهی سرریز شده و عالم عقل را فرا می‌گیرد و در نهایت به انسان می‌رسد (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۱۳۱-۱۳۲. ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۰. جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۵۶۶-۶۲۱).

پایان قوس نزول، ابتدای قوس صعود است. انسان در عالم طبیعت زندگی می‌کند و با تزکیه نفس می‌تواند وارد عالم مثال شود و در صورت ادامه به عالم عقل و بالاتر راه یابد. پایان قوس صعود، خداوند است: «ای انسان تو با رنج و زحمت به سوی پروردگارت در حرکت هستی و عاقبت او را ملاقات خواهی کرد» (انشقاق، ۶).

## ۲-۱. واسطه فیض الهی در جهان هستی

امام زمان (عج) در هر دو قوس نزول و صعود از اسباب و علل فیض شمرده می‌شود. در قوس نزول، امامان (ع) در سلسله علل فاعلی این عالم قرار دارند؛ یعنی امام واسطه نزول فیض از طرف خداوند بر ماسوی است. با این توضیح که اولاً، این نقش از آن امام است و اختصاصی به امام حاضر ندارد و شامل امام غائب نیز می‌شود. ثانیاً، فیض‌رسانی گاهی عام و زمانی خاص است؛ یعنی به لحاظ دریافت‌کنندگان فیض، گاهی این فیض شامل همه موجودات اعم از انسان‌ها و غیرانسان‌ها و در انسان‌ها اعم از مؤمنان و کافران می‌شود و زمانی نیز خاص و ویژه است و صرفاً انسان‌های مؤمن از آن بهره می‌برند.

دلایل نقلی و عقلی فراوانی این مطلب را تأیید می‌کند. از جمله دلایل نقلی روایاتی است که بیان می‌کنند، امامان «ارکان الارض» می‌باشند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹۶. شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۷۴۴. ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۸۹. شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۰۹) که زمین بدون آنان واژگون می‌شود (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۷۹) و اهلش را فرو می‌برد. آنان حجت‌های الهی‌اند که گاهی ظاهر و گاهی غایب هستند و تا به حال زمین از آنان خالی نبوده است. آنان امان اهل زمین هستند، همچنان که ستارگان سبب امان اهل آسمانند. به واسطه آنان آسمان بر زمین فرود نمی‌آید، باران رحمت حق نازل و برکات زمین خارج می‌شود (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۰۷. همو، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۹۶ و ۶۱۵. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۹۲ و ج ۹۹، ص ۱۳۱)، زمین، درختانش را می‌رویاند و درختان میوه می‌دهند، غم‌ها و ضررها برداشته و نعمت‌های خاص و عام خداوند بر مردم و شیعیان نازل می‌شود (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۹۶ و همو، ۱۴۱۳، ج ۹۹، ص ۱۳۱. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص ۱۳۱) و به واسطه آنان است که خداوند به بندگانش روزی می‌دهد، باران از آسمان می‌بارد و برکات زمین آشکار می‌گردد (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۴. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۱۹).

در نتیجه از برکت وجود امام عصر (عج) است که مردم روزی می‌برند و به هستی اوست که زمین و آسمان بر پاست (مجلسی، ۱۴۲۳، ص ۴۲۳).

استدلال عقلی این مطلب را نیز می‌توان این‌گونه سامان داد که حق در مقام ظهورات

ذاتی، وحدت قاهره و در ظهورات متکثره فعلی، تعینات خاصه را اظهار می‌دارد، ولی آن وحدت، بدون کثرت و این کثرت، بدون وحدت حقیقی است، لذا نیاز به تجلی سومی بود که بتواند مقام جمع و تفصیل را ارایه کند، برزخ بین عالم ربوبیت و عبودیت و جامع حق و خلق باشد. از سویی به عالم طبیعت مربوط باشد و از سویی دیگر به عالم واحدیت، یعنی واسطه‌ای باشد بین این دو عالم. انسان کامل که مصداق بارزش امام معصوم (ع) است، از این دو نسبت برخوردار است و به همین سبب واسطه فیض به ما سویی (کثرات محضه)، مظهر ربوبیت حق شده است.

بر اساس قاعده فلسفی «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد، یا الا من الواحد»؛ از یکی فقط یک صدور می‌یابد و یک فقط از یک صادر می‌شود، که قاعده فلسفی بدیهی و از شئون قاعده سنخیت علت و معلول است، باید بین ما و خداوند وسایطی در خلق و فیض و کمال و قضای حاجات و... باشد، فلاسفه از وسایط مزبور به «عقول مقدسه» تعبیر می‌کنند. گروه مشاء آن‌ها را ده عدد و گروه اشراقیون عدد مزبور را بدون دلیل دانسته و معتقدند تعداد عقول بسیار زیاد و شاید غیرمتناهی باشند (ر.ک: آملی، ۱۳۶۸، ص ۳۸۱. گرامی، ۱۳۸۴، ص ۶۶-۷۰). از این وسایط در لسان روایات به انوار یا حقیقت پیامبر و اهل بیت تعبیر شده است (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: ترخان، ۱۳۹۰، ص ۳۳-۶۱. حسینی تهرانی، ۱۴۰۸، ص ۱۰-۳۳).

در قوس صعود نیز امامان (ع) در سلسله علل غایی عالم قرار دارند. جهان آفرینش همانند باغ باطراوتی است که انسان‌ها، درختان و بوته‌های این باغند و آن‌ها که در مسیر تکامل اند، درختان و شاخه‌های پربار و منحرفان، علف‌های هرز این باغ می‌باشند. هدف از آبیاری چنین باغی آن است که درختان میوه سیراب گردند، نه علف‌های هرز؛ «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵). اگر روزی فرا برسد که تمام درختان باغ خشک شوند و گروه صالحان از روی زمین برچیده گردند، دلیلی بر آبیاری این باغ و ادامه فیض وجود نخواهد داشت. امام معصوم انسان کامل و سمبل گروه صالحان و هدف اصلی آفرینش است و از این جهت مورد خطاب قرار می‌گیرد که: «لولاك لما خلقت الافلاك» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵۲)؛ اگر تو نبودی آسمان‌ها را خلق نمی‌کردم.

بی‌گمان برای حرکت در قوس صعود باید از اسبابی بهره برد: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده، ۳۵) و تمسک به امامان (ع) از بزرگترین وسایل وصول به خداوند به شمار می‌آید. امام صادق (ع) درباره این آیه قرآن: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» (اعراف، ۱۸۰) فرموده است: «نحن و الله الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۴).

نقش امام در هدایت انسان‌ها، تنها به نمایاندن راه راست خلاصه نمی‌شود، بلکه امام، افزون بر هدایت عام، افراد مستعد و لایق را در سپردن طریق و رسیدن به مطلوب واقعی خود که همان نیل به کمال مطلق است، یاری می‌رساند؛ به سخن دیگر، نقش امام در تکامل انسان‌ها، تنها نشان دادن راه تکامل نیست، بلکه روح افراد مستعد، به طور تکوینی در پرتو انوار باطنی امام، پرورش می‌یابد (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: ترخان، ۱۳۹۰، ص ۳۳-۶۱).

امام به جهت برخوردار از ولایت تکوینی همچون خورشیدی تابان است که در پرتو آن، نه تنها راه رسیدن به مقصد اعلای انسانیت روشن می‌شود، بلکه به طور تکوینی نیز در تکامل آدمی مؤثر است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹۴ و ج ۴، ص ۵۷۸. ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۵).

بدون شک همه انسان‌ها مخلوق «لِاجْلِ اللَّهِ» و ساخته شده برای ذات مقدس اویند: «خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ، وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۳۰۶) و بازگشت آنان به سوی خداست و حسابشان نیز با خدا می‌باشد: «أَنَّ أَلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ أَنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (غاشیه، ۲۵ و ۲۶)، اما رجوع موجودات به حق به توسط انسان کامل است: «وَ إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۲) و «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ... بِكُمْ فَتَحَّ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَحْتَم» (همان، ص ۶۱۵)؛ زیرا که انسان کامل فانی مطلق و باقی به بقاء الله است و از خود تعین و انانیتی ندارد، بلکه خود از اسمای حسنی و اسم اعظم است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳). از این رو امام زمان (عج) نیز دستگیر سالکان کوی دوست است و محبت به این امام همام در صعود به سر منزل مقصود، از نقش اساسی برخوردار است. با این توضیح در پاسخ به این پرسش که نقش امام زمان (عج) چیست باید گفت که ایشان

مجرای فیض الهی‌اند و برپایی نظام آفرینش و اعطای فیض به ما سِوَى اللّٰه و هدایت و تربیت و خودسازی انسان‌ها، و... فرع بر وجود امام زنده‌ای است که از وجود او ما سِوَى اللّٰه فیض ببرند و عطش خود را سیراب نمایند.

## ۲. دفع یا رفع بلا با عوامل مادی و معنوی

با توجه به دو نکته فوق، پاسخ به پرسش اصلی را پی گرفته و نقش فاعلی امام زمان (عج) را در دفع یا رفع بیماری‌های فراگیر بررسی خواهیم کرد. بر اساس آنچه گفته شد اگر اداره عالم بر اساس نظام اسباب و مسببات است و بلای عمومی ناشی از عوامل مادی و معنوی می‌باشد، دفع یا رفع آن بلا چگونه است؟ پاسخ کلی آن است همان گونه که اسباب بلاها می‌توانند مادی و معنوی باشند، نزول بلاها در قالب دو سنت مطلق و مشروط (که جریانش بسته به رفتار انسان‌ها است) تحقق می‌پذیرد و نسبت به بهره‌گیری از عوامل مادی و معنوی دفع و رفع آن‌ها تقسیماتی مطرح است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

### ۲-۱. بهره‌گیری از عوامل مادی

اگر عامل بلا مادی یا معنوی باشد، بهره‌گیری از سبب مادی برای دفع یا رفع آن در نسبت با بهره‌گیری از عامل معنوی از چه جایگاهی برخوردار است؟

#### ۱-۱-۲. دفع یا رفع سبب مادی با سبب مادی

گاهی مسبب یعنی بلاها صرفاً سبب و عامل مادی دارد. برای در امان ماندن از بلا پناهگاه مشترکی بین خداپرستان و مادیون وجود دارد که هر دو به صورت مساوی از آن استفاده می‌کنند و آن عبارت است از: سنن و قوانین تکوینی و طبیعی؛ مثلاً این قانون و سنت الهی است که دارو و درمان پناهگاهی برای نجات همه انسان‌ها از مریضی‌ها (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۹، ص ۶۶)، کار و تلاش پناهگاهی برای نجات از بلای فقر باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۱)؛ یعنی هر ملتی، خداپرست باشد یا نباشد، در صورتی که کار و تلاش نماید، از بلای فقر نجات می‌یابد و اگر از دارو استفاده نماید، شفا پیدا می‌کند.

از این رو، بهره‌گیری از اسباب مادی برای دفع یا رفع بلاهایی مانند بیماری، به‌عنوان پناهگاه‌هایی مشترک مورد تأکید و توصیه دین است (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۳۶۲) و از این

جهت نباید امام زمان (عج) را جایگزین این اسباب مادی کرد و هیچ نقشی را برای این اسباب قائل نشد. امامان (ع) نیز برای شفای از بیماری از همین عوامل استفاده می‌کردند. براین اساس، در پاسخ به پرسش اصلی می‌توان این‌گونه گفت که قرار نیست امام زمان (عج)، نظام اسباب و مسببات را به هم بریزد، همان‌گونه که دأب و سنت خدا نیز چنین چیزی نیست؛ لذا ممکن است خود امام نیز که جزئی از همین عالم است به بیماری مبتلا شود و برای شفای خود از بیماری یا دفع آن از همین اسباب مادی استفاده کند. وقتی عامل بیماری وجود داشته باشد بیماری هم تحقق می‌یابد. این همان نظام اسباب و مسببی است که خداوند بر اساس آن عالم را اداره می‌کند و ائمه اطهار نیز خلاف این نظام عمل نخواهند کرد. یکی از رازهای عدم دفع چنین بلای عمومی از سوی امام زمان (عج) همین است. از این رو می‌توان پرسش یاد شده را به‌گونه دیگر نیز مطرح کرد که چرا خدا کاری نمی‌کند. پاسخ آن است که بنا نیست خدا این نظام علی و معلولی را از کار بیندازد، البته آنچه گفته شد به معنای آن نیست که اسباب معنوی، مانند دعا و نفس قدسی امام، نمی‌توانند بلایی را که اسباب مادی دارند بر اساس قانون دیگری دفع یا رفع کنند که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

## ۲-۱-۲. دفع یا رفع سبب معنوی با سبب مادی

گاهی حوادث و پدیده‌هایی که به‌عنوان سبب در این عالم رخ می‌دهد، اسبابی معنوی و فرامادی دارند. در متون دینی وارد شده است که گاهی سبب و عامل بیماری، گناهی است که بشر مرتکب می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۶۶۸)؛ همان‌گونه که بسیاری از ابتلائات و مشکلات زیستی از ناحیه عملکرد نادرست بشر بوده است. امروزه این بحث به‌صورت جدی مطرح است که آیا در پیدایش برخی از بیماری‌ها اغراض شیطانی و دستکاری خود بشر دخیل بوده است یا نه؟ بر این اساس آثار وضعی برخی از گناهان دامن‌گیر انسان‌ها می‌شود. این یک سنت و قانون الهی است.

اما چگونه ممکن است نزول بلاها بر اساس سنت‌های الهی، نتیجه گناهان بشر باشد؟ در توجیه آن قابل گفت است که نوعی وحدت بین اجزای هستی وجود دارد. نظام عام جاری در هستی، نظام واحد مرتبط الأطراف و متوافق الأجزاء است و به سبب این نظام



واحد، نظام‌های خاص جزئی حاکم در تک‌تک انواع، به آن نظام عام واحد، مرتبط می‌شوند. در نتیجه، استقامت و فساد حال هر یک از اجزاء، تأثیری در استقامت و فساد حال باقی اجزاء دارد و مقتضای طبیعت کل، اقتضای چیزی است که موافق آن طبیعت کل بوده و حال طبیعت کل به سبب آن مستقیم شود و مقاومت در برابر چیزی است که بر خلاف آن طبیعت کل است، چنانکه بدن تحت نظامی زندگی می‌کند که طبیعتش آن را اقتضا کرده و نفسش آن را انتظام می‌دهد و هر گاه اختلالی در بعضی از اعضای فعال بدن پدید آید، به سبب آن اختلال، نظم‌های سایر اعضا نیز مختل می‌شود و طبیعت بدن در برابر آن مقاومت کرده و به علاج آن می‌پردازد تا حال وی بهبود و نظام طبیعت بدن استقامت یابد و گرنه او را هلاک می‌کند یا طبیعت بدن هلاک می‌شود. سنت اجتماعی جاری در نوع انسانی، هر چند قوانین عملی اعتباری غیر حقیقی است، ولی بالأخره به حقیقت منتهی می‌شود؛ پس طبیعت انسانی به واسطه فطرت الهی خود برای این نوع، غایت و سعادت را اقتضا کرده و او را به سوی سنن و احکامی که بین او و سعادتش واسطه می‌شود، هدایت می‌کند و با عمل به این سنن و احکام، حالش اصلاح می‌شود و این دین حق است. پس دین حق از جهت ارتباط طبیعت انسان و فطرتش با سایر اجزای هستی، با هستی و جهان ارتباط دارد. در نتیجه، فساد سنت دینی در بین مردم که به سبب ظلم و معصیت به وجود می‌آید، در سایر اجزای هستی و جهان اثر می‌گذارد و قهراً طبیعت کل و علل حاکم در سایر اجزاء، برای علاج آن فساد، در برابر آن فساد مقاومت می‌کند تا اصلاح شود، و گرنه آن فساد را مورد تعقیب قرار داده و نابود می‌کند (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۶؛ تعلیقه علامه طباطبایی، ص ۴۱۰-۴۱۱).

در واقع این نکته را می‌توان با این اصل جهان‌شناختی توضیح داد که جهان یک واحد زنده و با شعور است و اعمال خوب یا بد انسان‌ها با عکس‌العمل‌هایی از جهان مواجه می‌شود که احیاناً در دوره حیات و زندگی خود فرد به او می‌رسد ... این دیدگاه دقیقاً در مقابل نگاه مادیون است که بر این باورند جهان نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت است و سنن تشریحی یعنی مقرراتی که باید بشر به آن‌ها عمل کند حساب مخصوصی در میان سنن تکوین ندارد (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۱۴. همان، ج ۳، ص ۳۵۰-۳۵۱).

آیا برای جلوگیری یا رفع این سنخ از بلاها می‌توان به اسباب مادی پناه برد؟، شایان گفت است که عوامل معنوی بلا گوناگون‌اند: گاهی از سنخ عوامل غیبی‌اند که طوفان سخت جنگ احزاب (احزاب، ۹ و ۱۰) یا شکافته شدن دریا برای نجات حضرت موسی (ع) (شعراء، ۶۰-۶۳) و ... را پدید می‌آوردند، در این گونه موارد، امکان جلوگیری یا رفع آن‌ها با اسباب مادی وجود نخواهد داشت. از این رو، صرفاً برای جلوگیری از چنین بلاهایی باید کاری را کرد که قوم یونس انجام دادند؛ یعنی آنچه در این گونه موارد کارساز است تضرع، استغفار، توبه و جبران گناهان می‌باشد (ر.ک: یونس، ۹۸. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۳۷۹-۲۸۲).

بلا عوامل معنوی گاهی به گونه‌ای هستند که می‌توان با اسباب مادی جلوی آثار آن‌ها را گرفت یا با اسباب مادی آثار آن‌ها را رفع کرد؛ مانند این که با استفاده از عوامل طبیعی، برخی بیماری‌هایی که منشاء آن گناه بشر است را دفع کرد یا با استفاده از این گونه عوامل طبیعی آن‌ها را درمان کرد. سرّ این مسئله در این مطلب نهفته است که عامل معنوی نیز با استخدام عامل مادی اثر می‌کند؛ اما باید توجه کرد که این درمان موقت است. علاوه بر این که شاید بتوان از پیامدهای مادی گناه پیشگیری کرد، یا پس از وقوع آن با اسباب مادی بتوان آن را مهار کرد، اما گناه مشکلات دیگری را نیز پدید می‌آورد که مادی نیست و نمی‌شود با اسباب مادی به مقابله با آن‌ها برخاست (ر.ک: ترخان، ۱۳۹۹، ص ۴۵-۴۶)، لذا ما توسعه با فسق و فجور را پایدار و همه‌جانبه ارزیابی نمی‌کنیم. این‌ها همه بر اساس سنت‌های الهی و نظام اسباب و مسببات است که در مقاله «تحلیل انتقادی سند توسعه پایدار با نگاهی به سنت‌های الهی» آن را تبیین کرده‌ایم (ر.ک: ترخان و یوسفیان، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱-۱۶۸).

در چنین مواردی نقش امام زمان (عج) چیست؟ آیا بناست آن حضرت جلوی نتیجه کار ناشایست بشر را بگیرد که اگر این بود غیبتش اتفاق نمی‌افتاد. غیبت و استمرار آن، بلائی است که نمی‌توان چیزی را مهم‌تر از آن برشمرد. با این بلا بشریت از فیوضات بسیاری محروم شد. عامل این بلای عظیم چه چیزی بود و هست؟ یقیناً یکی از مهم‌ترین عوامل آن به عدم آمادگی و گناه بشر بر می‌گردد:

«لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لِيُطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا؛ اگر شیعیان ما - که خدای آنان را بر انجام طاعت خویش موقت بدارد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳، ص ۱۷۷).

پس برای دفع بلاى عمومی باید از راه اسباب آن وارد شد و در این جهت باید عامل آن را شناخت و دفع یا رفع کرد. عوامل معنوی از دو سو، هم در نزول بلا و هم در دفع و رفع آن، تأثیر گذارند و امام زمان (عج)، به‌عنوان عامل معنوی، می‌تواند تأثیر گذار باشد و جلوی آن را بگیرد یا رفعش کند؛ اما اولاً و بالذات بنا ندارد این نظام را به‌هم بریزد. ممکن است بر اساس اسباب و سنت دیگری جلوی این را بگیرد یا رفعش کند که در این صورت نیز در دایره اسباب و مسببات خواهد بود؛ اما باید توجه کرد که این بر اساس سنت مشروط تحقق می‌پذیرد و جریان آن، دایره مدار تحقق شرطش می‌باشد.

## ۲-۲. بهره‌گیری از عوامل معنوی

همان‌گونه که بیان شد برای در امان ماندن از بلاهای طبیعی پناهگاهی مشترک وجود دارد؛ اما خداپرستان پناهگاه دیگری در اختیار دارند. آنان با استفاده از اسباب معنوی می‌توانند به مقابله با بلا برخیزند. عوامل معنوی بسیارند (ر.ک: ترخان؛ ۱۳۹۷، ص ۱۲۵-۱۵۲) که از جمله آن‌ها دعا و توسل می‌باشد. خواستن از امام و توسل به آن حضرت گاهی سبب‌ساز است و گاهی سبب‌سوز.

مریضی را فرض کنید که همه پزشکان از او قطع امید کردند؛ در این‌جا آن کسی که خدا را قبول ندارد دیگر پناهگاهی ندارد، اما فردی که به خدا اعتقاد دارد دست‌نیاز به‌سوی مسبب‌الاسباب دراز می‌کند و شفای مریضش را از او می‌خواهد. این ارزش مقدمی دعا است و گرنه دعا یک ارزش فی‌نفسه و ذی‌المقدمی هم دارد که از این جهت پناهگاهی است برای نجات از بلاهای درونی؛ یعنی از سویی، دعا برای رسیدن به حاجت کارایی دارد و از سویی دیگر، خود نیز عبادت است که اگر حاجتی هم با دعا برآورده نشد باز برای درمان بلاهای درونی به کار می‌آید. در آیه ۶۰ سوره غافر: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»، «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ

لَكُمُّ» به ارزش مقدمی و «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَكِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي» به ارزش ذی‌المقدمی دعا اشاره دارد.

همچنین نفس قدسی امام از اسباب معنوی تأثیرگذار در عالم است؛ حتی در مواردی که انسان‌ها بدو توسل نمی‌جویند. امام به جهت برخورداری از مقام ولایت تکوینی می‌تواند در کائنات تصرف کند و جلوی بلایی را بگیرد یا بیماری را شفا دهد؛ اما تأثیر این سبب بر اساس دو گونه سنت و قانون مشروط و مطلق تحقق می‌پذیرد که در ذیل به توضیح آن می‌پردازیم.

### ۲-۲-۲. دفع یا رفع بلا در صورت حصول شرط

امام زمان (عج) در زمان غیبت همچون خورشید پشت ابر است (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۰۷). پشت ابر بودن خورشید به این معنا نیست که موجودات از آن بهره نمی‌برند و یا خورشید بهره‌ای نمی‌دهد. از برکات امام زمان (عج) در زمان غیبت این است که گروهی می‌توانند از ابرها بالا رفته و مستقیماً از شعاع آفتاب استفاده نمایند و در پرتو این ارتباط، تدریجاً ساخته شوند.

امام زمان (عج) شخصیتی است بی‌همتا که سبب می‌شود، دل‌های آماده، در هر جا که باشند، تحت تأثیر جذبۀ مخصوص اشعۀ نیرومند و پر دامنه شخصیتش، قرار گیرند و از این طریق آن امام معصوم می‌تواند به تربیت نفوس پردازد، هر چند خود نفوس، چندان آگاه نباشند (تربیت تکوینی از طریق ولایت تکوینی).

امام (عج) از نظر باطن بر اعمال مردم ولایت دارد و آنچه به باطن و حقیقت موضوع هدایت (دل‌ها و اعمال مردم) مربوط است، بر امام (عج) مکشوف است. لذا اعمال نیک و بد در نزد او حاضر و راه سعادت و شقاوت تحت نظر اوست. پس مقام امامت توأم با هدایت است و این هدایت، به معنای ارایۀ طریق نیست، بلکه رساندن به مقصود و مراد است؛ زیرا ارایۀ طریق، نمایان‌دن راه و خواندن مردم به سوی خدا، کار همه پیامبران و مؤمنان است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۷۵ - ۲۷۶. همو، ۱۳۷۸، ص ۱۹۲ - ۱۹۷).

همان گونه که بیان شد خورشید علاوه بر روشنایی ظاهری در تکامل مادی به صورت تکوین مؤثر است و همین‌طور است خورشید معنوی؛ زیرا اوست که ارواح

صاحب اهلیت را به صورت تکوینی به سمت کمال مطلق هدایت و رهبری می‌کند. دفع یا رفع بلا از سوی امام زمان (عج) یک لطف ویژه است و بر اساس سنت مشروط به آنانی خواهد رسید که شرط آن را تحصیل کنند؛ مانند این که افاضات علمی و عنایات ربانی آن حضرت صرفاً به مؤمنان اختصاص دارد (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۸، ۱۳۸۳). حضرت به مؤمنان و شیعیان خود توجه کامل دارند و به واسطه ایشان بلاها از شیعیان برداشته می‌شود و به کمالات معنوی می‌رسند. آن حضرت می‌فرماید:

«أنا خاتم الأوصیاء و بی يدفع الله البلاء عن أهلی و شیعتی» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۴۱. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۰)؛ من آخرین جانشین پیامبر هستم، و به وسیله من است که خداوند بلا را از خاندان و شیعیانم دور می‌سازد.

«إِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَبَائِكُمْ، وَ لَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَحْبَابِكُمْ... إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاهُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳، ص ۱۷۵)؛ ... ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود گرفتاری‌ها به شما روی می‌آورد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند. از خدا بترسید و ما را پشتیبانی کنید.

در هر حال، امام به عنوان یک عامل معنوی نقش تعیین‌کننده‌ای در عالم و آدم دارد؛ اما انتظار نقش خاص با سبب‌سازی و سبب‌سوزی است که مشروط به شرایطی است. لطف ویژه آن حضرت (عج) در قالب سنت مشروط تحقق می‌پذیرد؛ همان‌گونه که شرط گشایش و نزول برکات، ایمان و تقوای جوامع می‌باشد. اگر تلاشی در جهت حصول این شرایط از سوی جوامع تحقق نپذیرد، عامل محرومیت آنان از این لطف خاص، خود آنان خواهند بود و باید خود را ملامت و سرزنش کنند. به بیانی دیگر، این دارو شفابخش است؛ اما شفابخشی آن در گرو انجام برخی کارها است که با عدم تحقق شرط، جزاء هم تحقق نمی‌پذیرد. این قانون یک قانون مشروط است که تخلف‌ناپذیر می‌باشد.

## ۲-۲-۲. دفع یا رفع بلا در صورت وجود مصلحت

برخی از بلاها بر اساس سنت مطلق امتحان و ابتلا تحقق می‌پذیرد.

از منظر قرآن کریم و روایات، دنیا با تمام نعمت‌ها و نعمت‌هایش محل و وسیله ابتلای بشر است. ابزار امتحان نیز گاهی امور خیر و گواراست و زمانی امور شرّ و ناگوار. به عبارت دیگر ابتلا گاهی با امور خیر و خوب است، مانند سلامتی و دارایی و توانایی و زمانی با امور شرّ و بد است، نظیر بیماری و فقر و ضعف. از این رو، این گونه امور خوب و بد باید همیشه کمابیش وجود داشته باشند و گریز و گزیری از آن‌ها وجود ندارد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۵۳۷. مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۳۳).

آزمون‌ها دو قسم‌اند: گاهی برای رشد، کمال و بالندگی انسان و زمانی به سبب گناهان و برای جبران آسیب‌ها و آفات و در هر صورت برای هدایت انسان است. آمیختگی تلخی با شیرینی در زندگی دنیا از سنت‌های الهی است؛ از این رو دنیا گاهی به کام مؤمنان و زمانی موافق کافران است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۶۰۸). این سنت از قوانینی است که هم به صورت مشروط و هم به صورت مطلق جریان دارد؛ یعنی بسیاری از ابتلاها این گونه‌اند که نتیجه رفتار انسان‌ها می‌باشند (رعد، ۳۱. فاطر، ۴۳)، در این صورت تمام برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌ها و علم‌آموزی‌ها و... باید در جهت جلوگیری از جریان این سنت مشروط - که تعبیر دیگری از نزول عذاب‌های دنیوی است - باشد.

برخی دیگر از ابتلاها این گونه نیستند؛ یعنی خداوند به صورت ابتدایی و بی‌قید و شرط به رفتار انسان، بشر را مبتلا به سختی‌ها (بأساء و ضراء) می‌کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۱۹۹). مصلحت این گونه از سختی‌ها آن است که انسان در پرتو آن، ارتقای وجودی یابد. بر این اساس پیامبران و امامان (ع) برای این که از نظر وجودی ارتقا یابند به انواعی از ابتلائات آزمایش می‌شدند، لذا ممکن است جسم رسول خدا (ص) و امامان (ع) و حتی حضرت ولی عصر (عج) تحت قوانین کلی این جهان بر اساس مصلحتی بیمار شود (ر.ک: قطب الدین راوندی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸-۱۶۹. ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۱۹۲-۱۹۴. طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۱)، یا به سبب مصلحتی بر اساس قانون اسباب و مسببات، بیماری از ایشان دفع شود.

بیان شد که امام از اسباب معنوی و مجرای فیض می‌باشد و نقشی عام دارد. در جایی که گناه، سبب ابتلا باشد، بی‌شک جریان سنت ابتلای مشروط بر اساس وجود مصلحت خواهد بود؛ همچنان که جریان سنت ابتلای مطلق نیز دائر مدار مصلحت می‌باشد. در این صورت دفع یا رفع بلا از سوی امام عصر (عج) نیز بر اساس وجود مصلحت خواهد بود. از این جهت فرقی بین مؤمن و کافر نیست؛ یعنی ممکن است وجود بلا یا استمرارش برای مؤمن و کافر به مصلحت باشد. به بیانی دیگر؛ امام در پرتو یکی از سنن الهی به ایفای نقش در نزول فیض می‌پردازد و جلوگیری از بلا یا رفع آن در صورتی موجه است که سنت دیگری مانند سنت امتحان و... آن را ایجاب نکند. خداوند با ابتلای بشر، وی را در مسیر رشد قرار می‌دهد. انسان با این ابتلائات به ضعف خود پی می‌برد و به تضرع و زاری رو می‌آورد.

با این توضیح می‌توان مهم‌ترین مصلحت بلای یادشده را بسترسازی برای جامعه مهدوی ارزیابی کرد. در ادامه در قالب دو نکته با محوریت جهان‌پساکرونا توضیحاتی ارائه و مطلب فوق مبرهن می‌شود:

### ۱. نکته اول: سیر و حرکت تکاملی جوامع و تاریخ

بر تاریخ و جامعه سنی حاکم است که از جمله آن‌ها سنت گرایش به حق می‌باشد. این یک سنت مطلق رقابت‌پذیر است؛ یعنی انسان‌ها می‌توانند در مقابل چنین گرایشی موضع منفی بگیرند؛ اما قادر نخواهند بود آن را محو کنند (ر.ک: صدر، ۱۳۹۸، ص ۹۲-۱۰۲). دقیقاً به همین سبب، بر این باوریم که منحنی سیر جامعه و حرکت تاریخ نهایتاً تکاملی و صعودی است؛ هرچند فرازونشیب‌های فراوان و چشمگیری می‌تواند داشته باشد، یا حتی در دوره‌هایی با رکود و سیر قهقرایی مواجه شود. این همان آینده قطعی است که انتظار آن سازنده و امیدبخش می‌باشد (ر.ک: مطهری، ج ۱۵، ص ۲۱۲-۲۱۳ و ۲۳۶).

از دو مثال زن حامله و درخت گلابی استفاده می‌کنم تا مطلب روشن‌تر شود:

بر اساس این نظریه جامعه انسانیت را باید همانند زن حامله‌ای دانست که به تدریج موعد وضع حملش خواهد رسید. پیامبران آمده‌اند که مراقبش باشند و به او کمک کنند، در مقام تشبیه مثلاً سقط جنین نکنند، بچه را زودتر از موقع و ناقص به دنیا نیاورد.

همچنین باید جامعه انسانیت را مانند یک نهال دانست. نهالی مانند گلابی را اگر در زمین بکارند، با تمام وجودش به سوی درخت گلابی شدن حرکت می‌کند. البته در این مسیر ممکن است دچار آفت‌زدگی هم بشود یک سال هم رشد نکند، ممکن است یک شاخه‌اش بشکند، ممکن است وضع دیگری پیش بیاید ولی مسیر طبیعی همه این «کل» به عنوان یک موجود زنده به طرف آن کمال نهایی خودش است (همان، ج ۱۵، ص ۸۲۲).

اما این که تکامل به چه معناست، خودش یک بحث مفصل دیگری دارد. از نگاه اسلام تکامل به معنای توأم شدن با امور انسانی و معنوی یعنی «صلاح و تقوا» و به معنای گام نهادن در راه رضای حق و قرب به حق است.

نظریه تکاملی جوامع و تاریخ (به عنوان یک مبنا که در بحث‌های فلسفه تاریخ، صورت‌بندی می‌شود) خود با دو مبنای جهان‌شناختی و انسان‌شناختی در ارتباط است: الف. مبنای جهان‌شناختی: اشاره شد که جهان در جهت تکامل بی‌تفاوت نیست و نسبت به حوادث جهان، عکس‌العمل موافق یا مخالف نشان می‌دهد. روشن است که تاریخ به صورت یک امر مجزا از سایر اجزاء دستگاه عالم، وجود خارجی ندارد.

ب. مبنای انسان‌شناختی: انسان فطرتاً حق‌گرا است و انحرافاتش به باطل از قبیل خطای در تطبیق است. این خطاها برای همیشه در انسان باقی نمی‌ماند، موقت است و انسان بالاخره به حق واقعی و به کمال واقعی خودش می‌رسد و این فطرت انسان است که انسانیت را به سوی یک وحدت و یک تشابه می‌برد، اختلاف‌ها تدریجاً در آینده کمتر می‌شود و انسان آینده هرچه بیشتر به فکرش و به عقیده‌اش و به اخلاقش و به معنویت خودش وابسته می‌شود و همان چیزی که اسمش را «جامعه واحد انسانی» می‌گذاریم در آینده به وجود خواهد آمد (همان، ج ۱۵، ص ۸۲۴-۸۲۵. ص ۱۴۰-۱۴۳. صدر، ۱۳۹۸، ص ۱۴۰-۱۸۳).

به بیانی دیگر؛ دلیل نظریه تکاملی بودن جوامع و تاریخ همان نظریه فطرت است. طبق نظریه فطرت اساساً انسانیت به سوی هویت واحد حرکت می‌کند و یک هویت ایده‌آل واحدی دارد که در عمق فطرتش است، و دین آن هویت واقعی انسانیت را به انسان عرضه می‌دارد و می‌خواهد همه هویت‌ها را در آن شکل قرار بدهد. آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ



بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه، ۳۳) به این معنا اشاره دارد.

با این توضیحات؛ به نظر می‌رسد جهان پساکرونا به آن هویت واحد جهانی خیلی نزدیک خواهد شد. در این دوران بشر خطاهای خودش را بهتر درک کرده و تلاش خواهد کرد که آن را جبران کند و در واقع از حیث معرفتی و عملی بستر برای تحقق جامعه مهدوی (به عنوان نقطه مطلوب در حرکت تکاملی جوامع) بیش از پیش فراهم خواهد شد.

## ۲. نکته دوم: تغییرات معرفتی و عملی در جوامع پساکرونا

جامعه از سه بعد انسان، طبیعت و رابطه (رابطه انسان با طبیعت و انسان با انسان) برخوردار است و جامعه مطلوب در صورتی شکل می‌گیرد که این ابعاد سه‌گانه ارتقا و بهبود یابد.

الف. در بعد انسانی این تغییرات معرفتی و رفتاری از همین الان پدیدار شده است. تمدن غربی ادعا می‌کرد که بر مناسبات جهانی حاکم است و همه باید در این چارچوب فکر و زندگی کنند. در این مدت رفتارهایی در جوامع غربی مشاهده شده است که روح وحشی‌گری تمدن غربی را بر ملا کرده است (برای آگاهی از این دست رفتارها، ر.ک: خامنه‌ای، ۲۱ / ۱ / ۹۹). این مشکل اگرچه در محصول این تمدن و نظام سرمایه‌داری است، اما مبانی آن (مانند فردگرایی، لیبرالیسم، اومانیزم، توجه به عقل خودبنیاد و ابزار، لذت‌طلبی، خودخواهی، علم‌زدگی، ادعای تسلط بر طبیعت، دوری از خدا و معنویت، بی‌هدفی و بی‌معنایی زندگی) را به چالش خواهد کشید؛ زیرا این تمدن با تکیه بر چنین مبانی‌ای، چنین انسان‌هایی را تربیت کرده است. نتیجه طبیعی این چالش معرفتی برگشت به فطرت یعنی گرایش به خدا است. از این رو دور از ذهن نیست که گفته شود جهان پس از کرونا جهانی است که به خدا بر می‌گردد نه این که از خدا برگردد. شواهد فراوانی وجود دارد که می‌تواند این سخن را تأیید کند. بشر امروز فهمیده است موجودی غیر از خدا توان نجات وی را ندارد. از این جهت با خدا ارتباط می‌گیرد و دعا می‌کند، هرچند اماکن عمومی تعطیل شده باشد.

ب. در بعد طبیعت نیز اگرچه کرونا به سلامت آسیب‌هایی زده است، اما آثار مثبت چنین بیماری بر محیط زیست انسانی قابل بررسی است.

متون دینی از سویی ایمان و تقوا پیشه‌گی مردم شهرها را از اسباب نزول برکات آسمان‌ها و زمین بر می‌شمارد (اعراف، ۹۶) و از سویی دیگر اسبابی مانند ظلم و رفتارهای ناشایست را عامل قحطی، حبس باران، خشکسالی، کاهش رزق و روزی، کاهش عمر و ابتلاء به بلاها می‌داند (این بحث دامنه‌درازی دارد. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: ترخان؛ ۱۳۹۷، ص ۱۲۵-۱۵۲). لذا بخشی از تغییرات در طبیعت بسته به تغییر انسان است که بر اساس سنت الهی به وقوع خواهد پیوست و از این جهت با تغییر رفتار انسان‌ها، طبیعت پساکرونا نیز دست‌خوش تغییرات خواهد شد.

ج. بی‌گمان در ارتباط انسان با انسان و طبیعت تغییرات مهمی را شاهد خواهیم بود.  
 - ارتباط انسان با انسان: در این باره به این نکته بسنده می‌کنیم که پیشرفت جوامع در گرو انسجام و وحدت قابل تحقق است، اما همبستگی‌های مبتنی بر امور اعتباری و قراردادی که ریشه در فطرت آدمی ندارند، زوال‌پذیر می‌باشند. از این جهت در پرتو جامعه توحیدی است که می‌توان به وحدت واقعی و ثابت دست یافت. توضیح این که توحید عملی - اعم از توحید عملی فردی و توحید عملی اجتماعی - عبارت است از یگانه شدن فرد در جهت یگانه‌پرستی خدا و نفی هرگونه هواپرستی، پول‌پرستی، جاه‌پرستی و غیره، و یگانه شدن جامعه در جهت یگانه‌پرستی حق از طریق نفی طاغوت‌ها و تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها. فرد و جامعه تا به یگانگی نرسد به سعادت نائل نمی‌گردد و جز در پرتو حق‌پرستی به یگانگی نمی‌رسد. قرآن با مثل مردی که بنده چند فرد بدخوی ناسازگار است و مردی دیگر که تسلیم یک فرد است (زمر، ۲۹)، تفرق و تشتت در نظام شرک و متقابلاً یگانگی در نظام توحیدی را تبیین می‌کند. انسان در نظام شرک هر لحظه به سویی و به جانب قطبی کشیده می‌شود، خسی است بر دریا، موج‌ها هر لحظه او را در جهتی با خود می‌برند؛ اما در نظام توحیدی مانند یک کشتی مجهز به دستگاه‌های راهنمایی است، در یک حرکت منظم و هماهنگ تحت فرمان مقامی خیرخواه (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۱۷).

مدیران اصلی جوامع شرک آلود به جهت عدم آگاهی به تمام ابعاد و زوایای کلیت نظام اجتماعی و نیز اعضاء تشکیل دهنده، در جهان‌بینی‌ها متفاوت هستند و این تفاوت در جهان‌بینی‌ها به تفاوت در ایدئولوژی‌ها می‌انجامد و همین باعث می‌شود که جامعه از ثبات برخوردار نباشد و دائماً جهت، مسیر، سرعت و ... خود را تغییر دهد. از سوی دیگر، قانونمندی‌ها در جوامع شرک آلود به جهت عدم ابتدا بر فطرت توحیدی بر اساس سرشت مشترک انسانی و جوامع نمی‌باشد و بالطبع حرکت این گونه از جوامع یک حرکت قسری خواهد بود که پیشرفت را با کندی مواجه می‌سازد و پیشرفت واقعی را دست‌نیافتنی می‌نماید.

بی‌گمان پس از ابتلای مردم به ویروس کرونا با یک همبستگی اجتماعی بخاطر درد مشترک مواجهیم و یقیناً پس از آن، بشریت به سمت جهانی شدن پیش خواهد رفت. از آنجایی که این جهانی شدن به صورت طبیعی است و با جهانی‌سازی (که مبتنی بر اصول غیرسازگار با فطرت انسانی مانند لیبرالیسم و سکولاریسم و عناصر اعتباری) متفاوت است می‌تواند بستری را برای تحقق جامعه مهدوی فراهم کند.

- رابطه انسان با طبیعت: انسان در جهان پس از کرونا به این واقعیت نزدیک خواهد شد که سهمی بزرگی در پیدایی بلاهای خانمان‌برانداز داشته است و بلاهای طبیعی و تخریب محیط زیست و... از پیامدهای تصرفات ناسازگار انسان با حرکت کلی طبیعت و نظام آن است. بر این اساس جستجوی توسعه پایدار در پرتو دوری از فسق و فجور دور از انتظار نخواهد بود.

نتیجه این که گاهی بلا از سوی امام زمان (عج) دفع نمی‌شود؛ زیرا به صلاح بشریت نیست. البته معنای حرف ما این نیست که ما نباید کاری در دفع بلاها انجام دهیم؛ حساب ما با آن‌ها جداست. این که خدا می‌گوید من به قدر و اندازه می‌دهم تا انسان طغیان نکند: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نَزَّلْ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» (شوری، ۲۷) به معنای این نیست که ما هم باید مردم را فقیر نگه داریم (در این باره، ر.ک: ترخان و یوسفیان، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱-۱۶۸).

## نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر که با استمداد از سنن الهی تلاش کرده است به این پرسش پاسخ گوید که در بلاهای عمومی و از جمله بیماری کرونا امام زمان(ع) چه نقشی دارد؟ به دستاورد زیر منتج شده است:

۱. عالم بر اساس سنت‌های الهی اداره می‌شود، حتی حیات و زندگی امام زمان(عج) نیز از شمول آن استثناء نشده است.

۲. امامان(ع) نه تنها در سلسله علل غایی بلکه در سلسله علل فاعلی این عالم قرار دارند. از این رو برپایی نظام آفرینش و اعطای فیض به ما سِوَى اللَّهِ و هدایت و تربیت و خودسازی انسان‌ها، و... فرع بر وجود امام زنده‌ای است که از وجود او ما سِوَى اللَّهِ فیض ببرند.

۳. برای دفع یا رفع بلا حالت‌های گوناگونی متصور است:

الف. دفع یا رفع سبب مادی با سبب مادی: بی‌گمان بهره‌گیری از اسباب مادی برای دفع یا رفع بلاهایی مانند بیماری، به عنوان پناهگاه‌هایی مشترک بین خداپرستان و مادیون، مورد تأکید و توصیه دین است و از این جهت نباید امام را جایگزین این اسباب مادی کرد و هیچ نقشی را برای این اسباب قائل نشد.

ب. دفع یا رفع سبب معنوی با سبب مادی: اگر بلایی نتیجه گناهان بشر باشد، گاهی می‌توان با اسباب مادی از وقوع آن پیش‌گیری کرد یا با این اسباب آن را برطرف کرد، اما هم موقت خواهد بود و هم همه‌جانبه نخواهد بود؛ یعنی فاقد دوام است و همه ابعاد بلا را شامل نخواهد شد.

گاهی هم امکان دفع یا رفع بلا وجود ندارد. در هر دو مورد بهترین عامل بهره‌گیری از اسباب معنوی مانند دعا و تضرع و جبران گناهان در کنار استفاده از اسباب مادی است. لذا در این گونه موارد نیز دأب امام زمان(عج) اولاً و بالذات این نیست که بلای عمومی را بدون استفاده انسان‌ها از عوامل گفته شده، دفع یا رفع کند.

ج. دفع یا رفع سبب مادی یا معنوی با اسباب معنوی: در این حالت دو صورت تصور دارد: اول این که دعا و توسل به امام عصر(عج) می‌تواند عامل دفع یا رفع بلا باشد. دوم

این که نفس قدسی امام بدون این که انسان‌ها بدو توسل جویند عامل دفع و رفع بلا باشد. در هر دو صورت، تأثیر این دو بر اساس دو گونه سنت مشروط و سنت مطلق می‌باشد.

د. اگر جریان نزول بلا بر اساس سنت مشروط ابتلا باشد، شرط دفع یا رفع آن از سوی امام بر اساس سنت مشروط دیگری است؛ یعنی لطف ویژه امام شامل جوامعی می‌شود که از ایمان و تقوا برخوردار باشند و از او بخواهند و دعا کنند و تضرع را پیشه خود سازند. علاوه بر این که مصلحت، باید دفع و رفع بلا را اقتضا کند. بله در مواردی که جریان نزول بلا بر اساس سنت مطلق باشد که هدف از آن امتحان و رشد انسان‌ها است، در این صورت مصلحت ملاک نزول یا دفع یا رفع بلا می‌باشد.

هـ. با توجه به حرکت تکامی جوامع و تاریخ، و تحقق قطعی جامعه مهدوی، یکی از مصالح کلان نزول بلا می‌تواند بسترسازی برای تحقق چنین جامعه‌ای باشد که امام زمان(عج) بیش از ما به تحقق آن جامعه مشتاق است.

## فهرست منابع

### قرآن

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ ۲، تهران: ۱۳۶۵ ش.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ النهاية فی غریب الحدیث و الاثر؛ مؤسسه اسماعیلیان، چ ۴، قم: ۱۳۶۴.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ دار الشریف الرضی للنشر، چ ۲، قم: ۱۴۰۶ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ علل الشرائع؛ داوری، چ ۱، قم: ۱۳۸۵ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی؛ کمال الدین و تمام النعمة؛ محقق/مصحح: علی اکبر غفاری، اسلامیة، چ ۲، تهران: ۱۳۹۵ ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۴۱۳ ق.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق عبدالسلام محمد هارون؛ مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، قم: ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن مشهدی، محمد بن جعفر؛ المزار الکبیر؛ دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، قم: ۱۴۱۹ ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ دار احیاء التراث العربی، چ ۳، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۱۰. آملی، سیدحیدر؛ جامع الأسرار و منبع الانوار؛ تصحیح هانری کرین و عثمان اسماعیل یحیی؛ انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱، تهران: ۱۳۶۸.
۱۱. ایجی - میرسیدشریف؛ شرح المواقف؛ تصحیح بدر الدین نعسانی، الشریف الرضی، چ ۱، قم: ۱۳۲۵ ق.
۱۲. ترخان، قاسم و حسین یوسفیان؛ تحلیل انتقادی سند توسعه پایدار با نگاهی به سنت‌های الهی؛ شیعه‌شناخت، شماره ۲، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱-۱۶۸.
۱۳. ترخان، قاسم؛ «تأملی در قوانین فرامادی پیشرفت بر اساس سنت‌های اجتماعی الهی، دوره ۵، ش ۱، ۱۳۹۷، ص ۱۲۵-۱۵۲.
۱۴. ترخان، قاسم؛ رابطه توحید و ولایت (با تأکید بر حدیث سلسله الذهب)؛ قیسات، ش ۶۲، ۱۳۹۰، ص ۳۳-۶۲.

۱۵. ترخان، قاسم؛ نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلایای طبیعی؛ قبسات، ش ۹۶؛ ۱۳۹۹، ص ۳۵-۶۵.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله؛ تحریر تمهید القواعد، الزهراء، تهران: ۱۳۷۲.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ ج ۱۵؛ نشر مرکز اسراء، قم: ۱۳۸۷.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ ج ۱۶؛ نشر مرکز اسراء، قم: ۱۳۸۸.
۱۹. حر عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعة؛ مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ج ۱، قم: ۱۴۰۹ق.
۲۰. حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین؛ امام شناسی؛ حکمت، تهران: ۱۴۰۸ق.
۲۱. راوندی، قطب‌الدین؛ الدعوات/سلوة الحزین؛ دلیل ما، قم: ۱۳۸۵.
۲۲. ربانی گلپایگانی، علی؛ نقش غایی امام در نظام آفرینش؛ انتظار موعود، ش ۳۱، ۱۳۸۸ (الف)، ص ۹-۲۴.
۲۳. ربانی گلپایگانی، علی؛ نقش فاعلی امام در نظام آفرینش؛ انتظار موعود، ش ۲۹، ۱۳۸۸ (ب)، ص ۷-۳۰.
۲۴. صدر، سیدمحمدباقر؛ المدرسة القرآنية؛ مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ج ۳، قم: ۱۳۹۸ق.
۲۵. صدر المتألهين، محمدبن ابراهيم؛ الحكمة المتعالية في الاسفار العقلية الاربعة؛ تعليقه علامه طباطبایی، دار إحياء التراث العربي، ج ۳، بيروت: ۱۹۸۱م.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ شیعه در اسلام (طبع قدیم)؛ دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۳، قم: ۱۳۷۸ش.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ الميزان في تفسير القرآن؛ مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ج ۲، بيروت: ۱۳۹۰ق.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الأخلاق؛ الشریف الرضی، ج ۴، قم: ۱۴۱۲ق.
۲۹. طبرسی، علی بن حسن؛ مشکاة الأنوار في غرر الأخبار؛ المكتبة الحيدرية؛ ج ۲، نجف: ۱۳۸۵ق.
۳۰. طوسی، محمدبن حسن؛ مصباح المتعبد و سلاح المتعبد؛ مؤسسة فقه الشيعة، بيروت: ۱۴۱۱ق.
۳۱. فیض کاشانی، محمدمحسن؛ الوافی؛ کتابخانه امام‌امیرالمؤمنین (ع)؛ ج ۱، اصفهان: ۱۴۰۶ق.
۳۲. فیومی، احمدبن محمد؛ المصباح المنیر؛ مؤسسه دارالهجره، ج ۲، قم: ۱۴۱۴ق.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافي (ط - الإسلامية)؛ دار الکتب الإسلامية، ج ۴، تهران: ۱۴۰۷ق.
۳۴. گرامی، محمدعلی؛ در بارة حدیث لولا فاطمه؛ دارالفکر، ج ۲، قم: ۱۳۸۴.

۳۵. مازندرانی، محمد صالح؛ شرح الکافی-الأصول و الروضة؛ محقق/مصحح: ابوالحسن شعرانی، المكتبة الإسلامية، چ ۱، تهران: ۱۳۸۲ق
۳۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار (ط-بیروت)؛ دار إحياء التراث العربي، چ ۲، بیروت: ۱۴۰۳ق.
۳۷. مجلسی، محمدباقر؛ زاد المعاد-مفتاح الجنان؛ مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چ ۱، بیروت: ۱۴۲۳ق.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن کریم؛ شرکت چاپ و نشر بین الملل، چ ۷، تهران: ۱۳۹۱.
۳۹. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۱؛ انتشارات صدرا، چ ۱۲، تهران: ۱۳۸۴ ه.ش.
۴۰. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۱۵؛ انتشارات صدرا، چ ۷، تهران: ۱۳۸۴ ه.ش.
۴۱. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۲؛ انتشارات صدرا، چ ۷، تهران: ۱۳۸۴ ه.ش.
۴۲. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۳؛ انتشارات صدرا، چ ۷، تهران: ۱۳۸۴ ه.ش.
۴۳. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۴؛ انتشارات صدرا، چ ۱۶، تهران: ۱۳۹۵ ه.ش.
۴۴. مفید، محمد بن محمد؛ کتاب المزار - مناسک المزار؛ کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چ ۱، قم: ۱۴۱۳ق.
۴۵. موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (عج)؛ کامکار، چ ۱، قم: ۱۳۸۳.
۴۶. موسوی خمینی، روح‌الله؛ آداب الصلوة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: ۱۳۷۸.
47. Hume, David; An Enquiry Concerning Human Understanding, Edited by Antony Flew, USA: Open Court, 1988